

نگاهی به سیره عبادی امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان*

اشاره

آنچه درباره امام حسین علیه السلام شهرت دارد، قیام حضرت و حماسه عاشورا است؛ اما متأسفانه بعد عبادی آن امام همام، چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ درحالی که امام حسین علیه السلام همواره با معرفت کامل و اخلاص بی نظیر، به عبادت خدای سبحان می پرداخت و از مناجات با حق تعالی لذت می برد. هدف از بیان سیره عبادی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، تأسی به آن حضرت و تبعیت عملی از ایشان است؛ زیرا شیعه واقعی امام، کسی است که افزون بر محبت و مودت به آن حضرت، در عمل نیز از اعمال آن بزرگوار تبعیت کند؛ چنان که امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرموده: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا؛ کسی که ما را دوست دارد، باید عملی که ما انجام می دهیم، انجام دهد.» همچنین، امام محمدباقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيُّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۶۱۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷،

ص ۳۰۶.

عَدُوٌّ وَمَا تُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛^۱ آن که مطیع خداست، دوست ماست و آنکه عاصی بر خداست، دشمن ماست. جز با عمل و پارسایی، راهی برای دسترسی به ولایت ما وجود ندارد.»

آنچه در این نوشتار می آید، تنها قطره‌ای از دریای بیکران سیره عبادی امام حسین علیه السلام است که در محورهای همچون: نماز، حج، قرآن و دعا سامان یافته است و فضایل عبادی و معنوی سالار و سید شهیدان، اباعبدالله الحسین علیه السلام، بیش از آن است که به قلم و بیان درآید. کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

مبنای سیره عبادی امام حسین علیه السلام

اعمال آدمی براینند معرفت، اندیشه و نوع جهان بینی و مراتب ایمان اوست. کسی که به خداوند و عالم قیامت معرفت و باور عمیق قلبی دارد، زندگی عملی او نسبت به کسی که از چنین اعتقادهای و باورهای قلبی محروم است، کاملاً متفاوت خواهد بود. بنابراین، سبک زندگی مؤمنانه هر شخصی، ثمره ایمان صادقانه و عمیق اوست. آنچه موجب امتیاز و برجستگی سیره عبادی امام حسین علیه السلام شده، به همین مسئله برمی گردد. امام سوم ما شیعیان، هم معرفت کامل به خداوند و معارف اسلامی و قرآنی داشت و هم از بالاترین مراتب ایمان و باور قلبی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که حضرت همواره خود را در محضر خدای متعال می دید و خویشتن را نیازمند عنایات ربوبی می دانست.

وقتی از حضرت پرسیدند، چگونه صبح کردی؟ فرمود: «صبح کردم؛

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۴؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۶۲۵.

درحالی که پرودگارم، بالای سرم و آتش، پیش رویم و مرگ، جوینده ام و حساب الهی، فراگیرم می باشد... بنابراین، کدام فقیر از من نیازمندتر است؟^۱ قاضی نورالله تستری می گوید: به امام حسین علیه السلام عرض شد: ابوذر می گوید: «برای من، فقر، محبوب تر از بی نیازی است و مریضی، محبوب تر از سلامتی است.» امام حسین علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ تَعَالَى أَبَاذَرًّا، أَمَا أَنَا فَأَقُولُ: مَنْ اتَّكَلَّ عَلَى حُسْنِ إِخْتِيَارِ اللَّهِ تَعَالَى لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ غَيْرَ مَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ؛^۲ خداوند اباذر را رحمت کند؛ اما من می گویم: هرکس به انتخاب نیک خدا توکل کند، جز آنچه را خدا برایش برگزیده است، آرزو نمی کند.»

امام سجاد علیه السلام می فرماید: چون صبح روز عاشورا شد، پدرم دستها را به سوی آسمان بلند کرد و نگاه عرض کرد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ تَزَلُّ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ... فَأَنْتَ وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ؛^۳ بار پروردگارا! در تمام غصه ها و اندوه ها، تو محلل اتکا و اعتماد من می باشی! و در هر گرفتاری و شدت، تو محلل امید من هستی! و در هر حادثه ای که بر من فرود آید و هر نازله ای که بر من وارد شود، تو محلل اطمینان و استعداد من می باشی... بنابراین، ای خدای من! تو ولی تمام نعمت ها هستی، و صاحب هر نیکویی، و منتهای تمام رغبت ها می باشی.» یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵.

۲. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۵۹۱.

۳. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۳؛ شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۴۴؛ تاریخ طبری،

ج ۴، ص ۳۲۱.

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندند^۱

نگاهی کوتاه به سیره عبادی و شیوه پرستش سرور آزادگان عالم، می تواند ژرفای معرفت، ایمان عمیق و اخلاص بی نظیر و ارتباط قوی آن حضرت با ذات خداوند را برای ما روشن کند. در ادامه، به بیان مهم ترین نمونه های عبادی در زندگی نورانی آن امام همام می پردازیم.

الف. نماز

۱. مقدمات نماز

از منظر اسلام، نمازی مطلوب است که با حضور قلب و توجه کامل خواند شود. یکی از راهکارهای کسب حضور قلب در نماز، آن است که نمازگزار وضوی نماز را با حالت توجه و به شکل شایسته بگیرد. به همین جهت، سفارش شده که در هنگام شستن اعضای وضو، اذکار خاصی را بخوانیم.

در حالات معنوی امام حسین علیه السلام نوشته اند: هرگاه امام علیه السلام وضو می گرفت، رنگ چهره اش تغییر می کرد و بندبند اعضایش به لرزه در می آمد. وقتی از حضرت علت این امر را جویا شدند، در پاسخ فرمود: «حَقُّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنَهُ وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ»^۲ کسی که در پیشگاه خدای توانا می ایستد، سزاوار است که از خوف و خشیت او، رنگ رخسارش زرد شود و اندامش به لرزه آید.»

۱. دویبیتی های باباطاهر، دویبیتی شماره ۲۸.

۲. محمد سبزواری، جامع الأخبار و الآثار، ص ۱۶۶.

۲. طولانی بودن رکوع و سجود

شیخ عباس قمی می نویسد: «حضرت مهدی علیه السلام فرمود: جَدَمَ حَسِينٍ علیه السلام، رکوع و سجودش طولانی بود.»^۱

روایت شده که روزی شریح وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. دید حسین علیه السلام در حال سجده، صورت بر خاک می سایید و عرضه می دارد: «سَيِّدِي وَمَوْلَايَ الْمِقَامِ الْحَدِيدِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي، أَمْ لِيُشْرَبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي، الْهِيَ لَسِّنِ طَالِبَتِنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَسِّنِ حَبَسْتِنِي مَعَ الْخَاطِئِينَ لِأَخْبِرْتَهُمْ بِحُبِّي لَكَ، سَيِّدِي إِنَّ طَاعَتَكَ لَا تَنْفَعُكَ وَمَعْصِيَتِي لَا تَضُرُّكَ، فَهَبْ لِي مَا لَا يَنْفَعُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ فَإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛

خدایا! مولای من! آیا اعضای بدنم را برای گرزهای آهنین و اعضای درونی ام را برای نوشیدن حمیم دوزخ آفریدی؟ خدایا! اگر مرا به جرم گناهانم بازخواست نمایی، من نیز قطعا کرم و بخششت را درخواست خواهم کرد و اگر مرا در کنار تبهکاران به بند بکشی، مراتب دوستی و محبتی را که از توبه دل دارم، به آنها اعلام خواهم کرد! مولای من! فرمان برداری و اطاعت من، سودی به حال تو ندارد و معصیت و گناهم، به تویزانی نمی رساند. پس، توفیق اطاعت به من ببخش و از گناهانم درگذر که تو مهربان ترین مهربانانی.»^۲

۳. اهتمام به نماز اول وقت

ابو ثمامه صاندی، از یاران امام علیه السلام، در روز عاشورا وقت نماز ظهر را به امام یادآور شد. امام علیه السلام خطاب به او فرمود: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ نَعَمَ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا، ثُمَّ قَالَ: سَلَوْهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ؛ نماز را به

۱. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۰۴.

۲. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۴۲۴.

یاد ما انداختی؛ خدا تو را از نمازگزارانی که به یاد خدا هستند، قرار بدهد. آری، اینک وقت نماز فرا رسیده است؛ از دشمن بخواهید که موقتاً دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جای آوریم.» بدین ترتیب، امام علیه السلام با چند تن از یارانش در مقابل تیرهای دشمنان نماز ظهر را به جای آوردند. چقدر خوب است ما هم درباره نماز به گونه‌ای رفتار کنیم که همانند ابو ثمامه، مشمول دعای حضرت شویم.

در جنگ صفین، ابن عباس از امام علی علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! گویی نگران مطلبی هستید؟ امام فرمود: آری، مراقب زوال شمس و داخل شدن وقت نماز ظهر هستم. ابن عباس عرض کرد: ما در این موقع حساس نمی‌توانیم دست از جنگ برداریم و نماز بخوانیم. امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود: «إِنَّمَا قَاتَلْنَاهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ؛^۱ ما برای نماز، با آنان می‌جنگیم.»

ب. حج

در سیره عبادی اباعبدالله الحسین علیه السلام آمده است که آن حضرت در کمال فروتنی بارها و طبق نظر برخی بیست و پنج بار،^۲ پیاده به خانه خدا رهسپار شد و با خشوع تمام مناسک حج را به جای آورد.^۳ شیخ مفید می‌نویسد:

ابراهیم رافعی از پدر خود و از جدّ خویش نقل کرده است که گفت: «رَأَيْتُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَمْشِيَانِ إِلَى الْحَجِّ، فَلَمْ يَمْرَا بِرَاكِبٍ إِلَّا نَزَلَ يَمْشِي؛ حسن و حسین علیهما السلام را دیدم که پیاده به حج می‌روند. پس، بر هیچ سواره‌ای نگذاشتند،

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۴۱.

۲. هبثی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۰۱.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۲۰.

مگر آنکه او نیز پایین آمده، پیاده راه می‌رفت.» این مسئله، برای برخی سنگین آمد و به سعد بن ابی وقاص گفتند: پیاده‌روی، برای ما مشکل است و از سوی دیگر، نمی‌پسندیم که ما سواره باشیم و این دو آقای بزرگوار، پیاده بروند. سعد به امام حسن علیه السلام عرض کرد: ای ابامحمد! پیاده‌روی برای برخی از این مردمان که با شما همراه هستند، سنگین است و چون شما را پیاده می‌بینند، سواره بودن آنان گوارا نیست؛ چرا شما سوار نمی‌شوید؟ امام حسن علیه السلام فرمود: «ما سوار نمی‌شویم؛ با خود پیمان بسته‌ایم که پیاده به بیت‌الحرام برویم؛ ولی از راه، کناره می‌گیریم.» پس، از راه، کناره گرفتند [تا از دید مردم دور باشند].^۱

ج. اهتمام به قرآن

۱. تلاوت قرآن در شب عاشورا

مورخان نوشته‌اند که در عصر تاسوعا، عمرین سعد به محل استقرار امام حسین علیه السلام نزدیک شد. چون امام از هدف او آگاه شد، به قمر بنی‌هاشم فرمود: «ارجع إليهم فإن استطعت أن تؤخرهم إلى غدوة وتدفعهم عنا العشيّة لعَلنا نصلّي لربنا هذه الليلة وتدعوه وتستغفِرهُ فهو يعلمُ أنّي قد كنتُ أحبّ الصلاة له وتلاوة كتابه وكثرة الدعاء والاستغفار؛^۲ نزد آنان برگرد و چنانچه توانستی، جنگ را به صبح فردا موکول کن و امشب را مهلت بگیر که امید است در این شب، نماز گزارده، با خدا نیایش کنیم و از او، آمرزش بخواهیم که او می‌داند من به‌راستی نماز و تلاوت قرآن و نیایش فراوان و استغفار را دوست می‌دارم.»

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۷۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۴؛ شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۲۰؛ خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۱.

امام علیه السلام با یاران با وفای خود، آن شب را به نماز و استغفار و نیایش و تلاوت قرآن سپری کرد.

۲. اهمیت آموزش قرآن به فرزندان

انسان، نه تنها خود باید قرآن را بشناسد و با تلاوت آیات آن از هدایتش برخوردار گردد، بلکه وظیفه دارد نزدیکان و اطرافیان خویش را نیز با آن آشنا گرداند. والدین محترم باید فرزندان‌شان را که امانت‌های الهی هستند، با قرآن کریم آشنا کنند. امروزه، متأسفانه برخی قبل از آنکه قرآن، نماز و مسائل شرعی را به فرزندان خود بیاموزند، آنان را به کلاس‌هایی همچون آموزش زبان یا موسیقی می‌فرستند!

ابن شهر آشوب روایت می‌کند: عبدالرحمن سلمی سوره حمد را به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام آموزش داد. وقتی طفل آن سوره را برای پدر قرائت کرد، حضرت بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر، هزار دینار و هزار حله لباس به او پاداش داد... وقتی از حضرت درباره این همه لطف سؤال کردند، در پاسخ فرمود: «أَيُّ يَقْعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ؛ این عطا و بخشش، چگونه می‌تواند با تعلیمی که او می‌دهد، برابری کند؟»^۱

د. مناجات

مناجات با خداوند، یکی از مظاهر مهم بندگی به شمار می‌رود. همه پیامبران و اولیای الهی، اهل دعا و رازونیز با خدای رحمان بودند و آن را یکی از مهم‌ترین راه‌های نیل به کمال و قرب الهی می‌دانستند. قرآن کریم درباره اهمیت دعا

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

می فرماید: «قُلْ مَا يَغْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱ بگو: پروردگار من به شما اعتنایی نمی کند، اگر دعای شما نباشد.» امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ»^۲ عاجزترین مردم، کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.»

در ادامه، مناسب است که به چند نمونه از دعاهای امام حسین علیه السلام اشاره نماییم.

۱. دعای امام علیه السلام در هر صبح و شام

امام حسین علیه السلام در هر صبح و شام بر خواندن این دعا مداومت داشت:

«... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَلْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا كَفِينِي أَحَدٌ مِنْكَ فَأَكْفِنِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مَا أَخَافُ أَحَدٌ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۳

... خدایا! خویشتن را تسلیم تو نمودم و به سویت رو آوردم و کارهایم را به تو سپردم. از فرجام هر عمل ناپسندی، در دنیا و آخرت از تو عافیت می طلبم. خدایا! تو به جای همه قادر به حمایت من هستی؛ ولی هیچ کس در برابر تو قادر بر حمایت من نیست. مرا از هر چه بیم دارم و پرهیز می کنم، در حمایت خود قرار ده و در کارهایم گشایش حاصل نما؛ زیرا تو از همه چیز آگاهی و من ناآگاهم، تو بر همه چیز قادری و من از قدرتی برخوردار نیستم و تو توانایی

۱. فرقان، آیه ۷۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

۳. سیدبن طاووس، مَهَج الدَّعَوَاتِ وَمَنْهَج الْعِبَادَاتِ، ص ۱۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۱۳.

هرچیزی را داری؛ به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.»

۲. دعای امام علیه السلام در طلب توفیق

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى وَمُنَاصِحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ وَعَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ، وَحَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَزِينَةَ (نِيَّة) أَهْلِ الْوَرَعِ وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ حَتَّى أَخَافَكَ اللَّهُمَّ مَخَافَةً تَحْزِنُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَحَتَّى أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا أَسْتَحِقُّ بِهِ كِرَامَتَكَ وَحَتَّى أَنْصَحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ وَحَتَّى أُخْلِصَ لَكَ النَّصِيحَةَ حُبًّا لَكَ وَحَتَّى أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ حُسْنًا ظَنًّا بِكَ سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ؛^۱

بارالها! از تو توفیق هدایت‌یافتگان، اعمال تقوایندگان، خلوص و صدق توبه‌کنندگان، اراده جدی صابران، پرهیز ترسایان، جویندگی دانشوران، زینت پارسایان و بیم ناله‌کنندگان را می‌طلبم؛ تا ای خدا! از تو بیم ببرم؛ بیمی که مرا از نافرمانی‌هایت بازدارد و تا از تو فرمان برم؛ آن‌چنان‌که شایسته کرامت‌گردم و تا از بیم تو، پاک و صمیمی به سویت برگردم و توبه کنم و تا از محبت تو در خلوص توبه، برای تو زلال شوم و تا از حُسن ظنی که به تو دارم، در همه کارهایم بر تو توکل نمایم. پاک و منزهی ای آفریدگار نور! پاک و منزّه است خدای بزرگ و او را می‌ستایم.»

۳. دعای امام علیه السلام در روز عرفه

امام علیه السلام در موسم حج در عرفات و در دامنه کوه به حال ایستاده این دعا را خواندند؛ درحالی‌که مردم گرد حضرت حلقه زده بودند. این دعا، طولانی است و قسمت‌های فراوانی را می‌توان قرائت، ترجمه و تفسیر کرد؛ اما به دلیل

۱. سیدبن طاووس، همان؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۴.

محدودیت در نوشتار، تنها به بیان فراز ذیل بسنده می‌شود:

«أَيُّكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى
تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يُدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْإِتَّازُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ
عَمِيثٌ عَيْنٌ لَا تَرَأَى [تَرَكَ] عَلَيْهَا رَقِيباً وَحَسْرَتٌ صَفْقَةٌ عَنِدَ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ
نَصِيْباً؛

آیا برای غیر تو ظهوری هست که آن ظهور برای تو نباشد تا ظاهرکننده تو باشد؟
کی غایب بوده‌ای تا نیازمند دلیلی باشی که بر تو دلالت کند؟ کی دور شده‌ای تا
اثرها وسیله وصول به تو گردند؟ کور باد چشمی که تو را رقیب خود نبیند و
بی سود باد دستمایه کسی که از حجت تو نصیبی نداشته باشد.»

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۱

به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام:

با عاقلان بگو که رخ یار ظاهر است

کاوش بس است، این همه در جست‌وجوی دوست

همه جا منزل عشق است که یارم همه جاست

کوردل آن‌که نبیند به جهان جای تو را^۱

۴. دعای امام علیؑ در واپسین لحظات عمر

امام علیؑ در واپسین لحظات عمر خود به نیایش پرداخت و چنین فرمود:
«... صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، مَا لِي رَبُّ
سِوَاكَ وَلَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَىٰ حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا
تَفَادُلُهُ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا قَائِمًا عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ أُحْكَمَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ
وَأَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ»^۲

... صبر بر تقدیرت ای پروردگار! ای که هیچ معبود به‌حققی جز تو نیست! ای
فریادرس فریادخواهان! هیچ صاحب‌اختیار و معبودی جز تو ندارم. صبر بر
داوری‌ات، ای دادرس بی‌پناهان! ای پیوسته‌بی‌پایان! ای زنده‌کننده مردگان! ای
نگهدارنده هرکس با آنچه دارد! میان من و اینان داوری نما که تو بهترین داوری.»

۱. امام خمینی، دیوان امام، غزل ۲۶.

۲. عبدالرزاق الموسوی المقدم، مقتل الحسین علیؑ، ص ۳۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج

۱۰۱، ص ۳۴۸.